

«شب از ستارگان روشن است» گفتگو با شهرزاد آرشدی و مهرداد مجید خوشدل

جامعه‌ای که میل به ادبار دارد، استبداد در آن ریشه می‌دواند و سپس افسار پاره می‌کند... وقتی نویسنده و محقق را شمع‌آجین کردند، کارگرخواهان خاموشی گزیدند. کارگر را وقتی کارخانه را بر سرش خراب می‌کنند، هنرمند جامعه روی برمی‌گرداند. دانشجوی چپ را در «قرنطینه اسلامی» به مرز خدا می‌رسانند، کک «دفتر تحکیمی» نمی‌گزد. و نیز بالعکس. روزنامه‌نگار و ویلاگ نویس جوان را برای چند سطر مقاله به صلابه می‌کشند، همسایه‌ی سپید موی شاعرش اصرار دارد که سیاست را بایستی سه طلاقه می‌کردی. زن جوان را به خاطر نوع پوشش‌اش به باد کتک می‌گیرند، چند متر آن سوی‌تر مرد جوان قهقهه سر می‌دهد و با تلفن همراه فیلمبرداری می‌کند. این‌گونه است که در هنگامه‌ی به دار آویختن جوان بیست و چند ساله‌ای در ملاء عام، بیست و چند هزار چشم مشتاق آونگ شدن جان سوخته‌ای را ثانیه شماری می‌کند.

مبداء شیوع این بیماری، فردای انقلاب بهمن، و مکان آن پشت بام مدرسه‌ی رفاه بود. از آن زمان تاکنون هیچ جریان عمده‌ی اجتماعی در داخل و خارج در برابر این آفت مرگبار قد علم نکرده و غالب کنش‌های فردی و اجتماعی به خانه‌زاد شدن ویروس جان سخت استبداد دینی در جامعه‌ی ایران یاری رسانده است.

* * *

مرداد و شهریور دیگری در راه است. بیستمین سالگرد نسل‌کشی زندانیان سیاسی در سال 67 می‌بایستی ولوله‌ای در جامعه‌ی تبعیدی ایرانی برپا کند. اما به جز چند استثناء هنوز در شهر خبری نیست. هنوز عزیزان اعدامی با پسوندهای مارکسیست، مجاهد، کمونیست و... مفهوم عینی به خود می‌گیرند تا جماعتی پلشتی‌های زندان، شکنجه و اعدام را در پشت درهای بسته محکوم نمایند.

* * *

در آن سوی اقیانوس آرام، در شهر مونترال کانادا قرار است «شبی از ستارگان روشن شود». دست اندرکاران این گرده‌مایی سه روزه تأکید دارند که آب رفته را به جوی نمی‌توان بازگرداند، اما آب ساکن چنان متعفن می‌شود که حتا پرنده‌ای راه گم کرده در آن لانه نخواهد ساخت. آنان می‌گویند: دیگر نمی‌خواهیم با خودمان درد دل کنیم؛ نمی‌خواهیم اشتباهات گذشته را تکرار کرده و به اسم زندانی سیاسی، میهمانی خانوادگی برگزار کنیم. «شب از ستارگان روشن است» در نظر دارد جامعه‌ی میزبان را مخاطب قرار دهد و برای آنان سفره دل باز کند. آنان می‌گویند: می‌خواهیم استوار بایستیم و اسناد غیرقابل انکار جنایات زندان‌های رژیم اسلامی را در اختیار افکار عمومی غرب قرار دهیم. آنان خود را وامدار همه‌ی زندانیان سیاسی شکنجه دیده و اعدام شده‌ی زندانهای ایران می‌دانند.

پرسیدنی است: آیا برگزارکنندگان گرده‌مایی مونترال آگاهند که دود فرصت سوزی‌ها به چشم چه کسانی می‌رود؟ آیا آنان می‌دانند که در سالهای گذشته حرفهای قشنگ و دلنشینی برای گرده‌مایی‌ها گفته شده و بدان‌ها عمل نشده است؟

با شهرزاد آرشدی و مهرداد، دو تن از برگزارکنندگان گرده‌مایی مونترال به گفتگوی تلفنی می‌نشینم تا دلشوره‌ام را با آنان تقسیم کنم.

* * *

* «شب از ستارگان روشن است» نام گرده‌مایی‌ای است برای زندانیان سیاسی، از طرف تعدادی از فعالان سیاسی و زندانیان سیاسی سابق که قرار است از تاریخ 19 تا 21 سپتامبر امسال در شهر مونترال کانادا برگزار شود. گفتگوی من با دو تن از برگزارکنندگان این گرده‌مایی «شهرزاد آرشدی» و «مهرداد» است. سلام

دوستان، و ممنون از شرکتتان در این گفتگو.

شهرزاد - سلام عرض می‌کنم و از شما ممنون هستم.

* دوستان! با معرفی کوتاهی از هویت سیاسی‌تان می‌توانیم گفتگومان را شروع کنیم. شهرزاد از شما شروع می‌کنیم.

شهرزاد - من شهرزاد آرشدی هستم، یک تبعیدی‌ام. بعد از به قدرت رسیدن ج. اسلامی مجبور به ترک کشور شدم و سالهاست در کشور کانادا زندگی می‌کنم. در این سالها سعی کرده‌ام مخالفت و ضدیت‌ام با رژیم اسلامی را از طریق فعالیتهای هنری و فعالیتهای اجتماعی، مثل برگزاری کنفرانسها و سمینارها نشان دهم.

* مهرداد، ممنون می‌شوم شما هم خودت را معرفی کنی.

مهرداد - من از زندانیان سیاسی سابق دهه‌ی شصت در زندانهای ج. اسلامی هستم که پیش از آن با گروههای سیاسی ایرانی فعالیت می‌کردم. سالهاست که به عنوان تبعیدی در کانادا زندگی می‌کنم و تاکنون در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مختلف فعالیت داشته‌ام. همین جا عنوان کنم که کمیته‌ی برگزارکننده‌ی این گردهمایی از زندانیان سیاسی سابق و فعالین سیاسی و اجتماعی تشکیل شده و...

* ممنون می‌شوم همکاران‌تان را با نام به من معرفی کنید.

شهرزاد - شیرین مهربد، زندانی سیاسی سابق و هنرمند مقیم مونترال. آرام بیات، هنرمند مقیم مونترال. خانم الهه مشعوف، که فعال اجتماعی هستند. نادیا و سحر، که عضو انجمن زنان مونترال هستند. مهرداد و خودم هم عضو این کمیته هستیم.

* مهرداد، ممنون می‌شوم شما به این پرسش جواب دهید: با توجه به فعالیتهای سیاسی، اجتماعی ایرانیان تبعیدی، که اغلب آنها خصلت «مردانه» داشته‌اند، با ترکیب برگزارکنندگان این گردهمایی (که ترکیبی «زنانه» است و باید آن را به فال نیک گرفت) جامعه‌ی تبعیدی مقیم کانادا تاکنون چه برخوردی با شما داشته، و فکر می‌کنید با گردهمایی سپتامبر امسال چه برخوردی داشته باشد؟

مهرداد - من فکر می‌کنم این مسئله انعکاسی از جامعه‌ی ایران هم هست. چرا که در جامعه‌ی ایران، زنان در مبارزه‌ی اجتماعی نقش خیلی مهمی دارند. اما ویژگی اصلی کار ما تأکید بر هنر و مقاومت در زندان است. اما کسانی که در کمیته‌ی برگزارکننده حضور دارند؛ ما سه هنرمند داریم که به ترتیب، خانمها شیرین، بیات و شهرزاد هستند. که همه‌ی آنها به شکل‌های مختلف مبارزه‌ی اجتماعی و سیاسی زندانیان سیاسی را در جامعه مطرح کرده‌اند. کسانی هم که تاکنون دعوت شده‌اند و یا به فراخوان ما پاسخ داده‌اند، کسانی هستند که در همین زمینه [هنر و مقاومت زندان] فعال بوده و...

* شهرزاد، شما راجع به خصلت‌های مردانه‌ی فعالیتهای سیاسی، اجتماعی ایرانیان در خارج، و اصولاً تقسیم‌بندی‌های جنسیتی چه نظری دارید؟ آیا ترکیب برنامه‌گزاران گردهمایی مونترال را باید به فال نیک گرفت، و یا مثل مهرداد فکر می‌کنید این تقسیم‌بندی‌ها آنقدرها اهمیتی ندارد؟

شهرزاد - اهمیت داشتن یا نداشتن آن را نمی‌دانم، اما من خودم همیشه ضد چهارچوب‌های مردانه بوده‌ام. با این حال هر جا که کاری از دست‌ام برمی‌آمده - مهم هم نبوده که مردانه یا زنانه باشد - در آن دخالت کرده‌ام. چون فکر می‌کنم که ما حرفهای زیادی برای گفتن داریم. به هر حال زندانیان سیاسی در ایران، هم مرد بوده‌اند و هم زن. و کسانی که از ایران آمده‌اند، هم مرد بوده‌اند و هم...

* اما متأسفانه اکثریت قریب به اتفاق فعالیتهای ایرانیان «مردانه» بوده است.

شهرزاد - می‌فهمم! متأسفانه همین‌طور بوده، کاملاً می‌فهمم. ولی در کنار آن برنامه‌هایی هم بوده‌اند که زنان در پیشبرد و برنامه‌ریزی آنها نقش داشته‌اند. (با خنده) اما در جمع کمیته‌ی مونترال، معمولاً مهرداد در اقلیت است و به ندرت به او اجازه‌ی حرف زدن داده می‌شود...

* (خنده‌ی ممتد) خوب کاری می‌کنید!

مهرداد - (خنده‌ی ممتد) ستم زنانه!

شهرزاد - (خنده‌ی ممتد) ستم مضاعف به او می‌شود!

* (خنده‌ی ممتد) بسیار خوب! دوست دارم قبل از طرح پرسش‌هایی راجع به گردهمایی مونترال، چند پرسش حاشیه‌ای را با شما در میان بگذارم: آیا شما و همکاران برگزارکننده‌ی گردهمایی، تجربه‌های نه چندان موفق برنامه‌های مشابه در سالهای گذشته را در برنامه‌ی امسال منظور می‌کنید، یا دوباره به راهی می‌روید که دیگران رفته‌اند؟ شهرزاد از شما می‌شنوم.

شهرزاد - سعی ما این است که از تجربه‌های گذشته استفاده کنیم و موارد اشتباه را تکرار نکنیم. ویژه‌گی برنامه‌ی ما این است که فقط با خودمان حرف نزنیم. یعنی تأکید ما این است که برنامه به زبان انگلیسی برگزار شود. همچنین قرار است که برنامه‌ها به زبان فرانسه هم ترجمه شود؛ حتی سخنرانی‌هایی که به زبان فارسی انجام شود، ما آن‌ها را همزمان ترجمه می‌کنیم...

* چقدر خوب!

شهرزاد - چون می‌خواهیم با جامعه‌ی میزبان حرف بزنیم و به آنها بگوییم چه بر ما گذشته است. آخر ما چقدر می‌خواهیم با خودمان حرف بزنیم. آنقدر این کارها را کردیم که ج. اسلامی برای ما قهرمان درست کرده و انواع و اقسام جایزه‌های حقوق بشری را به آنها داده. در صورتی که آنها همه ضد بشر بوده‌اند. دلیل این مسئله این است که ماها خوب کار نکردیم؛ به اندازه‌ی کافی کار نکردیم. هر چند خیلی از تبعیدی‌ها زحمت کشیده‌اند، ولی اغلب، راه درستی رفته نشده. برای همین است که شهروندان کشورهایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، هنوز نمی‌دانند در زندانهای ایران چه گذشته، چه قتل‌عامی صورت گرفته و چه نسل‌کشی‌ای شده است. حتی وقتی به آنها توضیح می‌دهیم که این همه زندانی سیاسی دستگیر، شکنجه و اعدام شده، چنین چیزی برای آنها عجیب است و باوراش سخت.

مهرداد - من در ادامه‌ی حرف شهرزاد اضافه کنم که ما دو تجربه‌ی شیلی و آرژانتین را داریم. کثرت کشتار در این دو کشور اصلاً قابل مقایسه با جنایتی که در ایران صورت گرفته، نیست. ولی انعکاس بیرونی آن و توجه جهانیان به آن دو تجربه بسیار فراتر از فاجعه‌ی زندانهای ایران بوده. برای همین ما تصمیم داریم که فضای سنتی مراسم‌ها را بشکنیم و با جهان خارج از خودمان ارتباط بگیریم تا آنها را با بخشی از هولوکاست اسلامی آشنا کنیم.

* مهرداد، شما راجع به مقولات پلشت زندان، شکنجه و اعدام چه نظری دارید. منظورم از «شما» شخص خودت و همکاران گردهمایی است.

- مسئله‌ی زندان، شکنجه و اعدام در بین دوستان ما مسئله‌ای غیرانسانی است و ما به آن اعتقادی نداریم. اگر ما این مراسم را برگزار می‌کنیم به این منزله نیست که بخواهیم انتقام بگیریم، اعدام کنیم، قصاص کنیم. اصل قضیه برای ما این است که جنایت‌ها شناخته شود و دستگاه و سیستمی که جنایت‌ها را مرتکب شده، افشا شود. آن هم به این خاطر که امکان تکرار این جنایات گرفته شود.

* بگذارید دوستان این سؤال را چهار میخه کنم: آیا همکاران گردهمایی مونترال این سه پدیده‌ی پلشت را به صورت مشروط محکوم می‌کنند یا نه؟ یعنی زندانی سیاسی شکنجه شده، کسی که به خاطر عقاید سیاسی اش اعدام شده، لزوماً نباید مارکسیست، سوسیالیست یا مذهبی باشد که شما در مقابل آن موضع‌گیری کنید؟ شهرزاد - هر کسی که به خاطر عقیده‌اش زندانی کشیده، شکنجه شده یا اعدام شده، با هر عقیده‌ای ما آن را محکوم می‌کنیم و با ...

* آیا انعکاس اعتقاد شما را در گردهمایی امسال خواهیم دید؟

شهرزاد - واقعاً سعی‌مان همین است. سعی ما این است که از همه‌ی نگاهها در این برنامه حضور داشته باشند و ما برای دعوت کردن هیچ فیلتری نگذاشته‌ایم. تنها فیلتر ما ج. اسلامی و ضدیت عمیق با این رژیم است. از طرفی همکاران این گردهمایی هم در سالهای گذشته برای حقوق همه‌ی زندانیان سیاسی فعالیت کرده‌اند.

* بپردازیم به گردهمایی زندانیان سیاسی در شهر مونترال کانادا. این برنامه قرار است طبق اعلامتان در سه

روز برگزار شود. لطفاً نحوه‌ی برنامه‌ریزی و مباحثی که برای این سه روز در نظر گرفتید را به‌طور خیلی خلاصه برای من توضیح دهید.

شهرزاد - در واقع برنامه ما دو روز و نیم است. جمعه عصر برنامه شروع می‌شود و یکشنبه شب تمام می‌شود. تمام عصر جمعه به برنامه‌ی هنری و اجرای موسیقی اختصاص دارد: شیرین مه‌رید می‌خواند و رقصی از آرام بیات اجرا می‌شود. در قسمت بعد گروه «لولی» از آلمان ترانه‌های زندان را می‌خواند و در ادامه‌ی تأثیر خواهیم داشت. برنامه‌ی دو روز دیگر سخنرانی، گفتگو و نمایش فیلم است. از جمله نمایش فیلمی از مسعود رئوف و...
* طبق صحبتی که مدتی قبل با هم داشتیم، قرار بود زندانیانی که در فیلم مسعود با آنها گفتگو شده را در گردهمایی با هم روبرو کنید. اما ظاهراً هنوز با هم‌هی آنها تماس گرفته نشده. چرا؟
شهرزاد - قرار است همه را به سمینار دعوت کنیم. البته می‌دانم چه کسی مورد نظران است، اما تا به حال هر چی سعی کردیم نتوانستیم با ایشان تماس بگیریم.
* مه‌رداد، لطفاً ادامه‌ی صحبت را شما بگیرید.

مه‌رداد - همان‌طور که در ابتدا اشاره کردم، گردهمایی امسال تأکید اساسی‌ای دارد بر روی هنرمندان و نقشی که آنها در رابطه با زندان و مقاومت داشته‌اند. یعنی ادبیات زندان، موسیقی، شعر و فیلم‌هایی که در این زمینه ساخته شده و برخی انعکاس خیلی خوبی داشته‌اند. مثلاً به خاطر رابطه‌ی مشخصی که با شیرین [مه‌رید] دارم، هر جا با او برای اجرای برنامه می‌روم، عکس‌العمل‌هایی که از مردم می‌بینم، حاکی از ارتباط عاطفی آنها با مقوله‌ی زندان است. یعنی همدردی و همبستگی آنها را با زندانیان سیاسی می‌بینم. عین همین تجربه در رابطه با فیلم‌های مسعود [رئوف] بوده...

* در برنامه‌ی امسال از مسعود رئوف همان فیلم «درختی که به خاطر می‌آورد» به اکران درمی‌آید؟
مه‌رداد - بله همین فیلم به صحنه خواهد آمد. منتها گفت و شنودی به صورت زنده با تمام کسانی که در فیلم شرکت داشته‌اند، به عمل می‌آید. قرار است آنها در پانلی بخشی از خاطرات زندان‌شان را بازگو کنند.
* فکر می‌کنم، شهرزاد شما بتوانید به این پرسش جواب دهید: تا به حال چه تعدادی را به گردهمایی دعوت کرده‌اید، و حضور چه تعداد در برنامه قطعی شده؟
شهرزاد - چون حضور ذهن ندارم، دقیقاً نمی‌دانم حضور چه تعداد قطعی شده...
* تعدادی از شرکت‌کنندگان را که به خاطر دارید، نام ببرید.

شهرزاد - آقای ایرج مصداقی، آقای ناصر مهاجر، خانم شهرزاد مجاب، ستاره‌ی عباسی، سعید عصمتی؛ که پدرش اعدام شده. استفان هاشمی (کاظمی)، سودابه اردوان، شهره کیا؛ که با فیلم کوتاهی که ساخته به گردهمایی می‌آید. گروه خاوران، شیرین و آرام در قسمت برنامه‌های هنری هستند. شکوفه‌ی سخی دیگر شرکت‌کننده برنامه است، و نیز آقای غفاری و خانم دولتشاهی هستند و...

* به اسمی اشاره کردید که طرح این پرسش را ضروری می‌کند: از سعید عصمتی نام بردید؛ فرزند یکی از رفقای اعدامی. آیا از میان فرزندان عزیزان اعدام شده، فقط سعید را دعوت کرده‌اید، یا دوستان دیگری هم در گردهمایی حضور دارند؟

مه‌رداد - در تدارک دعوت از شخص دیگری به نام یاشار هستیم. خیلی از کسانی که زندان بودند، ایشان را می‌شناسند. ما تلاش می‌کنیم که یاشار و مادرشان را که زندانی سیاسی بوده، به برنامه دعوت کنیم. البته پدر یاشار در زندان اعدام شده است. هدف ما از این دعوت، رابطه گرفتن با این نسل است. یعنی ارتباط با نوع دیگری از شاهدان فاجعه‌ی زندانهای ایران.

* چرا تنها دو عزیز مرد را به برنامه دعوت کردید. فکر نمی‌کنید جای زنان جوانی از بازماندگان عزیزان اعدامی در برنامه‌تان خالی است؟

شهرزاد - دختر ستاره‌ی عباسی، یکی از کسانی بود که مایل بودیم ایشان را دعوت کنیم. اما به دلیل کاری که دارد، نمی‌تواند در برنامه ما شرکت کند. اما راستش را بخواهید در این مورد به جنسیت اصلاً فکر نکردیم.

هدف عمده‌ی ما آوردن بچه‌هایی بود که تجربه‌های خودشان را بازگو کنند. اگر شما در این زمینه پیشنهادی دارید، با کمال میل می‌پذیریم.

* در این مورد خارج از نوار با هم گفتگو می‌کنیم. ادامه‌ی گفتگو را با اظهار نظر مهرداد پی می‌گیریم. ممنون می‌شوم مهرداد نظر شما را در این مورد مدون، کنکرت و کوتاه بشنوم: گزینه‌ی شما در شرکت دادن سخنرانان چه بوده؟ گرایش سیاسی آنها، تولیدات فکری یا فرهنگی آنها؟ یا صرفاً حضور «دوستان» و «رفقا» در گردهمایی ارجحیت داشته؟

مهرداد - ابتدا این‌که جمع برگزارکننده‌ی گردهمایی از نقطه نظر باورهای سیاسی بسیار متفاوت نسبت به هم هستند. از نظر همه‌ی آنها، دفاع از زندانیان سیاسی محوری ابتدایی و اصلی است. بنابراین در دعوت از افراد شرکت کننده، هیچ علاقه‌ی شخصی و یا سیاسی دخالت نداشته. دیگر این‌که در رابطه با دعوت افراد باید اشاره کنم به مسئله مالی. یعنی افرادی که بتوانند هزینه‌ی مالی شرکت در گردهمایی را خودشان تقبل کنند، طبیعتاً ارجحیت دارند، چون برپایی چنین سمیناری برای ما حداقل چهل هزار دلار خرج دارد و...

* مسئله‌ی مالی گردهمایی را در پوشه‌ی جداگانه‌ای صحبت می‌کنیم. راجع به نحوه‌ی گزینه‌ی سخنرانان از شما سؤال کرده بودم.

مهرداد - ما گزینه‌ی خاصی - همان‌طور که گفتم - نداشته‌ایم. هدف ما برپایی سمیناری با تم «هنر و ادبیات مقاومت در زندان» است و در همین چهارچوب افراد مختلف در گردهمایی ما شرکت می‌کنند...

* یعنی هر کسی که با شما تماس گرفت، شما ایشان را می‌پذیرید، یا برای انتخاب‌تان معیاری داشتید؟ شهرزاد - وقتی ما فراخوان دادیم (با خنده) خیلی رک به شما بگویم، کسی پیشنهادی به ما نداد! به جز تعدادی طرح‌های هنری، که ما هنوز تصمیم نگرفتیم که نمایشگاه نقاشی در سمینار دایر کنیم. بنابراین خود ما از تک- تک افراد دعوت کردیم. ما فکر کردیم از افرادی دعوت کنیم که روی مسئله زندان سیاسی کار کرده باشند. چون این موضوع چیز ناآشنایی برای شهروندان کانادایی است. بنابراین کسانی که به صورت حرفه‌ای روی موضوع زندان کار کرده‌اند، وجودشان اهمیت دارد. در کنار آن، جوانانی که شاید آن‌قدرها شناخته شده نباشند، سعی کردیم آنها را هم دعوت کنیم.

* با توضیحاتی که دادید، ظاهراً در گردهمایی شما ما با چهره‌هایی روبرو می‌شویم که در سالهای گذشته در برنامه‌های مختلف حضور اجتماعی داشته‌اند. آیا شما باور ندارید که زندانیان سیاسی سابق در خارج کشور هستند که آنها هم حرف و حدیث دارند و باید حرفهای آنها هم شنیده شود؟ شهرزاد نظر شما را می‌شنوم. شهرزاد - باور کنید که خیلی دلمان می‌خواهد آنها به برنامه‌ی ما بیایند، اما نمی‌آیند. حتا به تعدادی پیشنهاد شرکت دادیم. تا جایی که ما می‌دانیم، برای آنها حرف زدن هنوز سخت است و در این کار هنوز پیشقدم نمی‌شوند.

* تا جایی که اطلاع دارم، آخرین مهلت ثبت نام و دریافت خلاصه سخنرانی‌ها اول ماه می امسال بوده. آیا شما خلاصه‌ی سخنرانی تمام سخنرانی‌ها را گرفتید یا خواهید گرفت؟ یا این‌که دوباره قرار است مثل گذشته عده‌ای در روز گردهمایی تصمیم بگیرند که همان حرفهای سابق و خط و نشان کشیدن‌ها را در عین بی‌نظمی تکرار کنند؟ مهرداد، اگر امکان دارد شما بگویید.

مهرداد - من ترجیح می‌دهم راجع به این سؤال شهرزاد صحبت کند، چون او در جریان این قسمت است. شهرزاد - هنوز خلاصه سخنرانی‌ها به دست ما نرسیده. البته کاملاً با شما موافquam، خصوصاً این‌که ما قرار است بولتنی قبل از سمینار تهیه کنیم. بنابر این تمام خلاصه سخنرانی‌ها باید از قبل به دست ما رسیده باشد. این بولتن به زبان فارسی و انگلیسی است...

* یعنی هیچ سخنرانی بدون دادن خلاصه سخنرانی‌اش در سمینار شما شرکت نمی‌کند؟ شهرزاد - خیر، همه باید خلاصه‌ای از سخنرانی را در اختیار ما قرار دهند.

* خیلی خوشحالم از این بابت. پوشه‌ی دیگری را باز می‌کنم: آیا در طرح موضوع‌های بحث در گردهمایی، شما

الویت‌هایی داشتید و آنها را به شرکت‌کنندگان پیشنهاد دادید - یا خواهید داد - و یا سخنرانان در انتخاب موضوع‌های سخنرانی آزاد بوده‌اید؟ مهرداد ممنون می‌شوم از شما بشنوم.

مهرداد - محور اصلی بحث زندان و مقاومت است. ما در این رابطه از کسانی که کارهای مدون و اساسی کرده‌اند، آنها را به سمینار دعوت کرده‌ایم. از کسانی که فراموش کردیم نامشان را ببریم، می‌توانم به «فیلیتسیا تروپر» و بهرام قدیمی اشاره کنم و یا عزت مصلی‌نژاد، که صاحب تألیف در رابطه با شکنجه است. این اسامی کسانی هستند که به‌طور حرفه‌ای در زمینه‌ی زندان سیاسی کار کرده و صاحب تألیف هستند. از این زاویه شرکت این افراد و نحوه‌ی بحث و استدلال حرفه‌ای آنها برای مخاطبین کانادایی، غیر ایرانی و ایرانی اهمیت بالایی دارد.

* پرسش من از شما این بود که شما برای سنجش کیفی سخنرانی‌ها ملاک معینی دارید یا نه؟ یعنی هر کس با فرستادن خلاصه‌ای از سخنرانی‌اش، به این معنی است که فرد مزبور و سخنرانی او در سمینار عرضه می‌شود... به هر حال پرسش من این است که برای انتخاب سخنرانی‌ها ملاک سنجش دارید یا نه؟

شهرزاد - صد در صد داریم. اتفاقاً در جلسه‌ی آینده قرار است راجع به این موضوع صحبت کنیم. قرار است پیشنهاد کنکرتی به دوستان شرکت کننده بدهیم تا از مشکلات احتمالی جلوگیری شود. باز در اینجا اسامی تعدادی از شرکت‌کنندگان به خاطر آمد که مایل‌ام به آنها اشاره کنم: آقای پیام اخوان که وکیل، حقوقدان و استاد دانشگاه هستند، و سالها در سازمان ملل در قسمت «جنایت علیه بشریت» رئیس یکی از دپارتمان‌های آن بودند. سخنرانی ایشان درباره‌ی کشتار دهه‌ی شصت و جنایت علیه بشریت خواهد بود. همین‌طور حسین شرنک، که شاعر مقیم مونترال هستند.

* دوستان! تا این لحظه از گفتگو، من برنامه‌ی شما را به عنوان «گردهمایی» زندانیان سیاسی نام بردم. اظهار نظر هر دو شما گره‌ی کور محتوای این برنامه را هنوز باز نکرده. از این روی این پرسش را با شما در میان می‌گذارم: این گردهمایی قرار است ویژه‌گی یک «مراسم بزرگداشت» را داشته باشد، و یا این‌که قرار است یک «سمینار بحث» باشد؟

مهرداد - البته هر کدام از ما می‌توانیم نظر خودمان را داشته باشیم. از نظر من هر دو بخش می‌تواند باشد. یعنی هدف برنامه‌ی ما، یکی، ادای دین است. که می‌توان نام «بزرگداشت» را بر آن گذاشت. و دیگر، بحث برای ارتقاء سطحی که این کشتار جمعی در آن اتفاق افتاده. اگر دقت کنیم، در چند سال اخیر تمام مراسم‌ها در سطحی متوقف مانده‌اند. ما می‌خواهیم افق دیگری از این تریبون‌ها را اجرایی کنیم. بنابراین ما مباحث مختلفی را در سطوح متفاوتی به بحث خواهیم گذاشت، و همان‌طور که گفتیم این کار را برای افکار عمومی جهان خواهیم کرد.

* شهرزاد، آیا شما فکر نمی‌کنی یکی از معضله‌های تاکنونی برنامه‌های زندانیان سیاسی در خارج کشور، ادغام شدن «مراسم بزرگداشت» و «سمینارهای بحث» بوده؟ به زبان ساده چون هدف گردهمایی‌ها تأمین کردن هر دو خواسته بوده، در عمل به برآورده شدن هیچکدام از آنها کمکی نکرده است.

شهرزاد - موافقم با شما. اتفاقاً ما سعی کرده‌ایم این دو را از هم تفکیک کنیم. یعنی شب اول که برنامه‌های هنری را در برمی‌گیرد، به بزرگداشت زندانیان سیاسی اختصاص دارد. اما دو روز بعد بحث و گفتگو خواهیم داشت. همان‌طور که گفتیم ما حرفمان را با جامعه‌ی میزبان می‌زنیم و بحثمان را با آنها مطرح می‌کنیم. به آنها خواهیم گفت که چرا و چگونه فاجعه‌ی زندانهای ایران اتفاق افتاده. البته امیدواریم که در آخر گردهمایی هم جمع‌بندی‌ای از سمینار داشته باشیم.

* صدای گردهمایی شما به قاره‌ی اروپا کمتر رسیده و احتمالاً چنین چیزی در رابطه با ایران هم صدق می‌کند. چرا در کار تبلیغات تا این لحظه کار کم کاری کرده‌اید؟

شهرزاد - شرمنده‌ی شمائیم (با خنده)!

* (خنده ممتد) چرا شرمنده‌ی من؟! حالا چه می‌توانید بکنید تا از این «شرمندگی» درآیید؟!

شهرزاد - امیدواریم تا دو - سه روز آینده پست کارتی تهیه کنیم برای تبلیغ برنامه. در ضمن در حال آماده کردن وب سایتی هستیم که احتمالاً تا هفتهی آینده آماده می‌شود. در حال انجام این کارها هستیم تا دو هفتهی آینده که اکتیوتر به مسئلهی تبلیغات توجه کنیم...

* فکر نمی‌کنید بخشی از تبلیغات شما باید رو به سوی ایران باشد؟ اگر به این موضوع اعتقاد دارید، برنامه‌تان را برایم توضیح دهید.

مهرداد - ما هنوز روی این موضوع فکر نکرده‌ایم. ولی فکر می‌کنیم که تبلیغات جریان‌ها، گروه‌ها و نیروهای سیاسی، حداقل کاری است که آنها می‌توانند انجام دهند. در این رابطه ما تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم، تماس با رادیوها و تلویزیون‌هاست تا از آن طریق برنامه‌مان را انعکاس دهیم.

* بگذارید روی مسئله مالی گردهمایی شما هم تمرکزی داشته باشیم. برپایی این برنامهی سه روزه بودجه‌ی زیادی می‌خواهد. بودجه‌ی این برنامه را از کجا تأمین کردید؟ اصلاً آیا بودجه برنامه تا این تاریخ تأمین شده یا نه؟

مهرداد - خیر، این بودجه به هیچ‌وجه تأمین نشده. بخشی از بودجه برنامه تاکنون از طرف اشخاصی معین و یا افراد کمیته‌ی برگزاری تأمین شده. یعنی بخشی از بودجه را کمیته‌ی برگزارکننده تقبل کرده و بخش بیشتری از آن را دوستانی که می‌شناسیم به عهده گرفته‌اند. این را هم اضافه کنم، بخشی از کسانی که در گردهمایی ما شرکت می‌کنند، قبول کرده‌اند که هزینه‌ی سفر را خودشان پرداخت کنند. البته ما سعی کردیم که از «سازمان عفو بین‌الملل» تقاضای بودجه کنیم، که بعد متوجه شدیم خود آنها با کمبود بودجه روبرو هستند. البته اگر جایی برای تهیه بودجه باشد، ما اقدام می‌کنیم. ولی امیدی نداریم تا از جای مشخصی کمکی دریافت کنیم. این تأکید را هم بکنم که از هر جایی ما تقاضای پول نخواهیم کرد.

*شهرزاد، شما لطفاً به این پرسش جواب دهید: آیا تاکنون از جامعه‌ی تبعیدی کانادا تقاضای کمک مالی و معنوی کرده‌اید یا نه؟ اگر نکرده‌اید، آیا چنین خیالی دارید؟

شهرزاد - بله! در فراخوانی که دادیم، تقاضای کمک مالی هم کردیم. کمک‌های تاکنونی هم همین کمک‌های موردی بوده. اما اولین کاری که خودما کردیم، این بود که نفری صد دلار گذاشتیم تا بتوانیم حساب بانکی باز کنیم. دیگر این‌که دور و اطراف ما که به حسن نیت ما شکی ندارند، هر کدام مبلغی بین پنجاه تا صد دلار پرداخت کرده‌اند. اما از همین هفته فوکوس کمیته‌ی مالی روی تهیه‌ی بودجه از همین راه‌هایی است که به شما توضیح دادم...

* به زبان ساده در حال حاضر شما با کمبود بودجه و امکانات مواجه هستید؟

- همان طور که گفتم، ما برای این برنامه هیچ بودجه‌ای نداشته‌ایم. اما خوشبختانه سالن گردهمایی را رزرو کرده‌ایم (با خنده) ولی خوب، امیدواریم پول آن هم تهیه شود... جای نگرانی نیست (خنده‌ی ممتد) اگر هم پولی جمع نشد، بالاخره خودمان یک کاری می‌کنیم!

* (با خنده) می‌روید زیر قرض!

شهرزاد - (با خنده) بله، چاره‌ای نیست!

* هنوز پرسش‌های مهمتری برای طرح کردن باقی‌ست. اما گفتگویمان تا حدودی طولانی شده. شاید یکی - دو هفته پیش از گردهمایی‌تان گفتگوی دیگری با هم داشته باشیم. در انتها نظر هر دو شما را راجع به این اظهار نظر می‌شنوم: در سالهای گذشته دوستان و رفقای برگزارکننده‌ی گردهمایی‌های زندانیان سیاسی، در مصاحبه‌ها به موارد خوب و قشنگی انگشت می‌گذاشتند، که معمولاً رد و اثری از آن چیزهای خوب در برنامه‌ها دیده نمی‌شد، و یا خلاف آنها مشاهده می‌شد. شهرزاد! شما راجع به این تکرار، راجع به این دور تسلسل چه عقیده‌ای داری؟

شهرزاد - (با خنده) سعی می‌کنیم هر قول و قراری که گذاشتیم، به آن عمل کنیم. سعی می‌کنیم سمیناری برگزار کنیم که در آن اجازه داده شود، افراد، آزادانه عقایدشان را بازگو کنند؛ کسانی که با نگاه‌های مختلف نظرهای

مختلفی دارند. این قولی بوده که ما داده‌ایم و سعی می‌کنیم به آن عمل کنیم.

* مهرداد، شما راجع به این واقعیت تلخ چه فکر می‌کنی؟

مهرداد - من فکر می‌کنم موضوعی که از نظر پایه‌ای مهم است، ساخت کمیته‌ی برگزارکننده است. یعنی ما گرایش مسلطی در این کمیته نمی‌توانیم ببینیم، مگر موافقت جمعی با کشتاری که در زندانهای ایران صورت گرفته، و لزوم برپایی مراسمی برای آن. این ویژه‌گی باعث می‌شود که ما راحت بتوانیم با قضایای سمینار برخورد کنیم.

* در سالهای گذشته در مصاحبه‌هایی که با دوستان برگزار کننده‌ی گردهمایی‌ها داشتیم، همین حرفهای خوب و زیبا را از زبان آنها شنیدم. اتفاقاً برخی از آن دوستان هم نیت خوبی داشتند. اما مراسم آنها چیز دیگری از آب درآمد؛ خلاف اغلب حرفهایی که زده بودند. این مسئله، پرسش من از شما دوستان بود.

شهرزاد - (با خنده) تنها راهی که هست، صبر کنید و ببینید نتیجه‌ی کنفرانس ما چه می‌شود!

* (خنده‌ی ممتد) بسیار خوب!

شهرزاد - ولی همان‌طور که مهرداد گفت، اعضای این کمیته نگاههای مختلفی دارند و برای برپایی این گردهمایی دور هم جمع شده‌اند.

بنابراین هدف برنامه‌ی ما حرف زدن با جامعه‌ی میزبان، با مردم غرب است، تا به آنها بگوییم که در زندانهای ایران چه بر زندانیان سیاسی رفته است. بخشی از این کار به عهده‌ی خود زندانیان سیاسی سابق است. بنابراین از این طریق ما به آنها خواهیم گفت که به نام حقوق بشر به کسانی جایزه ندهند که ربطی به زندانیان سیاسی نداشته‌اند.

* البته دوستان، حساسیت پرسش قبلی را حتماً حدس می‌زنید؛ فرصت‌سوزی‌ها مد نظر است و این‌که دود آن به چشم چه کسانی می‌رود.

از صمیم قلب آرزو می‌کنم گردهمایی مونترال پربار و موفق باشد. از شرکت شما دوستان، شهرزاد و مهرداد در این گفتگو تشکر می‌کنم.

شهرزاد - خیلی از شما ممنون. آیا من می‌توانم آدرس وب سایت‌مان را به شما بدهم.

* حتماً می‌توانید!

شهرزاد - آدرس وب سایت ما این است:

www.1980smassacre.com